



## کوبا چه گوارا

و مسئله‌ی «سوسیالیسم در یک کشور»

ران آگوستین  
ترجمه‌ی هومن کاسبی



انتخابات ریاست‌جمهوری در کوبا ممکن است نشان از پایان یک عصر باشد. در ظاهر ماجرا، تصمیم رائل کاسترو برای کناره‌گیری، بیش از هر چیز نماد گسست از نسل تاریخی انقلاب و فرایند جوان‌سازی رهبری کوبا بود -فرایندی که خیلی زودتر از آن‌که توجه رسانه‌های غربی را جلب کند آغاز شده بود. مخالفان حکومت کوبا سریعاً ابراز تاسف خود را نسبت به استمرار بی‌وقفه‌ی پروژه‌ی سوسیالیستی آن کشور به گوش همه رساندند و بار دیگر، بازگشت نهایی جزیره را به جرگه‌ی سرمایه‌داری پیش‌بینی کردند.

فروپاشی بلوک شوروی در سی سال پیش، و هر گونه تغییر سیاست توسط کوبا، به گمانه‌زنی‌ها دامن زده است مبنی بر این‌که سقوط سوسیالیسم، برقراری تمام و کمال آزادی اقتصادی، و بازسازی سرمایه‌داری در کوبا قریب‌الوقوع است. هدف از محاصره‌ی کوبا توسط ایالات متحده، با افزودن فشار از خارج، فقط همین بوده است: تخریب پایگاه

اقتصادی انقلاب کوبا. اما با نگاه به انزوای نسبی کوبا در جهان مصرف‌گرایی، بی‌تفاوتی و سیاست ارتجاعی -علاوه بر اصلاحاتی که قبلاً مجبور به اتخاذ در خط‌مشی خود شده است- نیازی نیست دشمن مدل کوبایی باشیم تا بر ماندگاری آن شبهه بیفکنیم..

به راستی پرسیدن این سؤال مشروع است که آیا در درازمدت، کوبا به عنوان یک جامعه‌ی سوسیالیستی، می‌تواند در یک محیط خصمانه «دوام بیاورد». یا چگونه کوبا و بنابراین سوسیالیسم در یک کشور، می‌تواند در برابر حصر اقتصادی، فرهنگی و نظامی امپریالیسم آمریکا به طور اخص و نظام سرمایه‌داری به طور اعم، پابرجا بماند و رشد پیدا کند. به لحاظ دیالکتیکی، تناقضات خارجی در اثر تناقضات داخلی صورت می‌پذیرند، و اگر به خاطر انعطاف‌پذیری پایدار مردم کوبا نبود، تحریم ایالات متحده و سایر فشارهای سرمایه‌داری می‌توانستند برای تضعیف جدی استقلال سیاسی و اقتصادی کوبا کافی باشند.

## اقتصاد سیاسی دوران گذار سوسیالیستی

از نخستین روزهای انقلاب کوبا، تقویت شرایط داخلی و خارجی بقای این کشور، دارای اهمیت زیادی برای رهبران آن بوده، حتی با این که رویکرد آن‌ها هرگز منحصراف دفاعی نبوده است. پس از تصرف قدرت، شاید تبدیل ارتش شورشی به یک نیروی دفاعی منظم‌تر، آسان‌ترین وظیفه به شمار می‌آمد. با این حال، دگرگونی اقتصاد و توسعه‌ی یک نظام برنامه‌ریزی به عنوان مبنای گذار سوسیالیستی جامعه‌ی کوبا، داستان کاملاً متفاوتی بوده است. در آن زمان، دو اقدام اقتصادی بسیار ظریف و مبرم که باید اتخاذ می‌شد - صنعتی شدن و تحول سیستم بانکی - به ارنستو «چه» گوارا محول شد.

در نوامبر ۱۹۵۹، تنها دو ماه پس از این که گوارا شروع به سازمان‌دهی اداره‌ی صنعتی سازی در موسسه‌ی ملی اصلاحات ارضی (INRA) کرده بود، ریاست بانک مرکزی کوبا را نیز به عهده گرفت. او در این منصب، او ۶ عملیات عمده را برای توقف فرار

سرمایه و بازیابی کنترل منابع مالی کشور هدایت کرد: ۱) خروج ذخایر طلای کوبا از ایالات متحده، ۲) ارائه‌ی معجز تجارت خارجی، ۳) ملی شدن نظام بانکی، ۴) خاتمه‌ی عضویت کوبا در موسسات مالی بین‌المللی تحت سلطه‌ی ایالات متحده، ۵) راه‌اندازی آژانس تجارت خارجی و ۶) جایگزینی اساسی اسکناس‌ها. بعد از اولین تحریم‌های ایالات متحده در اکتبر ۱۹۶۰، گوارا عازم یک ماموریت تجاری دو ماهه به اتحاد جماهیر شوروی، چین، آلمان شرقی، چکسلواکی و کره‌ی شمالی شد. در آن زمان، او از پیش به خاطر سفرهای خود به یوگسلاوی، آفریقای شمالی، و آسیا در سال گذشته، تجارب تجاری داشت.

در فوریه‌ی ۱۹۶۱، گوارا نقش مهمی در تأسیس وزارت صنایع ایفا کرد، که تا عزیمت به کنگو در چهار سال بعد، ریاست آن را بر عهده داشت. همزمان، او همچنان به عنوان فرمانده نظامی و به عنوان یکی از معماران اداره‌ی امنیت ملی جدید کوبا فعالیت می‌کرد که حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش را در آمریکای لاتین و آفریقا سازمان می‌داد. این واقعیت که او به مدت طولانی در وزارت صنایع ماند، نشان می‌دهد که تحکیم داخلی انقلاب را پیش از عطف توجه به پروژه‌های بین‌المللی ضروری می‌دانست. اولویت اصلی رهبری کوبا، با وجود تمایلات قاره‌ای آن و آرمان‌های خود گوارا در خارج از کشور، پیشبرد و تعمیق شرایط اقتصادی مرحله‌ی اول دگرگونی سوسیالیستی کشور بود، در حالی که به هیچ‌وجه از شرایط بین‌المللی اثرگذار بر انقلاب غفلت نمی‌کردند. گوارا تنها زمانی از کارکردهای خود در رهبری کوبا کناره گرفت که مطمئن بود سیستم‌هایی که به استقرار آن‌ها کمک کرد به قدر کافی بالغ شده بودند تا بدون او پیشرفت کنند.

گوارا پیش از این که رهسپار مأموریت نهایی خود در آمریکای لاتین شود، سه ماه را در یک کلاه‌فرنگی کوچک در نزدیکی پراگ، به نام رمزی و نکوف (در زبان چک به معنای «کلبه») گذراند، در حالی که کتابی را در مورد اقتصاد سیاسی دوران گذار سوسیالیستی

تهیه می‌کرد. در یکی از یادداشت‌هایش برای این کتاب، این پرسش بلاغی را مطرح و تلویحا انکار کرد: «اول از همه، آیا می‌توانیم کمونیسم را فقط در یک کشور بنا کنیم؟»<sup>1</sup> این سوال به بیانات آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی در کتابچه‌ی راهنمای اقتصاد سیاسی آن ارجاع دارد، که به طور گسترده برای آموزش کارمندان دولتی در کشورهای استفاده می‌شد که کمک‌های شوروی را دریافت می‌کردند. هسته‌ی یادداشت‌های گوارا از این دوره، حول ارزیابی انتقادی این کتابچه‌ی راهنما و عدم پذیرش عواقب اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فعالیت‌های شوروی - از سیاست اقتصادی نوین ولادیمیر ایلیچ لنین تا سیاست بعدی «سوسیالیسم در یک کشور» و «همزیستی مسالمت‌آمیز» - می‌گردد.

پروژه‌ی کتاب، همراستا با بحث‌هایی است که گوارا در طول سال‌های خود در قالب وزارت صنایع کوبا آغاز کرده بود، که به عنوان «بحث بزرگ» شناخته شد. در حالی که مباحثات متمرکز بر دفاع از نظام مالی بودجه‌ی وزارتخانه<sup>2</sup> در برابر نظام تأمین مالی خودکار<sup>3</sup> یا حسابان اقتصادی<sup>4</sup> بودند که در سایر اقتصادهای سوسیالیستی به کار بسته می‌شد، دامنه‌ی آن‌ها مسائل اساسی را در برمی‌گرفت که دوره‌ی گذار را از اقتصاد سرمایه داری به اقتصاد سوسیالیستی، هم از منظر کوبایی و هم از منظر بین‌المللی، تعیین می‌کند. ارزش‌های اخلاقی و «امور واقع آگاهی»<sup>5</sup> دغدغه‌های اصلی گوارا بودند، و

---

<sup>1</sup> Ernesto Che Guevara, *Apuntes Críticos a la Economía Política* (Melbourne: Ocean Press, 2006), 203.

نسخه‌ی انگلیسی‌زبان به نام یادداشت‌های انتقادی در باب اقتصاد سیاسی، چندین بار توسط اوشن پرس (Ocean Press) اعلام شده است، اما ظاهرا هنوز موجود نیست. فقط یک فصل در مورد مارکس و انگلس تا کنون به زبان انگلیسی منتشر شده است. برای تحلیل زمینه‌مند مفصلی از این کتاب، نگاه کنید به

Helen Yaffe, Che Guevara: *The Economics of Revolution* (London, New York: Palgrave Macmillan, 2009).

<sup>2</sup> Ministry's Budgetary Finance System

<sup>3</sup> Autofinancing System

<sup>4</sup> Economic Calculus

<sup>5</sup> facts of consciousness

جامع‌ترین تحلیل او را از اهمیت آن‌ها در توسعه‌ی سوسیالیستی، می‌توان در یکی از سلسله مقالات منتشر شده در مجله‌ی وزارت، *Nuestra Industria* در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ یافت.<sup>۱</sup>

در جلسه‌ی وزارتخانه مورخ ۲ اکتبر ۱۹۶۴، گوارا به پرسنل خود در برابر خلط تعاریف سوسیالیسم و کمونیسم هشدار داد، و اشاره کرد که سوسیالیسم، به عنوان دوره‌ی گذار بین تخریب نظم سرمایه‌داری و بنا کردن کمونیسم، نمی‌تواند به شکلی خطی تصور شود. او به آن‌ها یادآوری کرد که «اگر لنین را با دقت بخوانید»، دوره‌ای اضافی را می‌توان تمیز داد: دوره‌ی ساخت و ساز سوسیالیستی، که «از استقرار نیروی کارگران تا زمانی ادامه می‌یابد که جامعه را بتوان سوسیالیستی نامید، یعنی زمانی که تمام ابزار تولید در دست جامعه خواهد بود، زمانی که هیچ انسانی توسط انسان‌های استثمار نخواهد شد، و غیره. پاداش مطابق با کار، حد فاصل سوسیالیسم تا کمونیسم را تعیین خواهد کرد، در حالی که تحت لوای کمونیسم، پاداش دهی مطابق با نیاز است».<sup>۲</sup>

با توجه به اینکه «اقتصاد سیاسی دوره‌ی گذار هنوز به تمامی ناموجود است»، او تلاش کرد برخی از عناصر تحلیلی اصلی را ارائه کند به منظور درک و دگرگونی «دوره‌ای که طی آن قدرت کارگران مستقر می‌شود، تصمیم به حرکت به سمت سوسیالیسم گرفته شده است، و در عین حال مجموعه‌ای کامل از روابط تولید همچنان ادامه می‌یابند که پیوند نزدیکی با سرمایه‌داری دارند».<sup>۳</sup> گوارا فکر می‌کرد که این روابط را می‌توان با برنامه‌ریزی کم و بیش متمرکز و تغییر تدریجی کانون توجه از انگیزه‌های مادی به انگیزه‌های اخلاقی، مغلوب نمود.

---

<sup>1</sup> Ernesto Che Guevara, *On the Budgetary Finance System*, in Bertram Silverman, ed., *Man and Socialism in Cuba: The Great Debate* (New York: Atheneum, 1971), 122–56.

<sup>2</sup> Ernesto Che Guevara, appendix to *Apuntes*, 338–39.

<sup>3</sup> Guevara, appendix to *Apuntes*, 339.

گوارا با اشاره به این‌که قانون ارزش هنوز تا چه حد در اقتصاد سوسیالیستی تحت محاصره‌ی اقتصادهای بازار به کار بسته می‌شود، در همان جلسه نتیجه گرفت که برنامه ریزی سوسیالیستی در نهایت بشریت را قادر به «شکستن و آفریدن قوانین اقتصادی» ساخت؛ با این حال، ظرفیتی «که نمی‌توان به توسعه‌ی نیروهای تولیدی در یک کشور تقلیل داد، بلکه بر توسعه‌ی سوسیالیسم در مقیاس جهانی دلالت می‌کند، زیرا سوسیالیسم یک نظام جهانی است و بر کل جهان تاثیر می‌گذارد»<sup>۱</sup>.

### «سوسیالیسم در یک کشور»

کارل مارکس و فردریک انگلس انتظار داشتند که انقلاب سوسیالیستی پس از توسعه‌ی کامل نیروهای تولیدی و بنابراین ابتدا در اقتصادهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری رخ دهد. این دیدگاه مبتنی بر نکته‌ای بود که در *مانیفست کمونیست* بیان شد: بورژوازی نه تنها «سلاح‌هایی را شکل داد که مرگ خودش را رقم می‌زنند، بلکه همچنین کسانی را خواهد آفرید» که قرار است آن سلاح‌ها را به کار گیرند، یعنی طبقه‌ی کارگر مدرن. در یادداشت‌هایی که به عنوان *ایدئولوژی آلمانی* شناخته شدند، آن‌ها نوشتند: «از نظر تجربی، کمونیسم فقط به عنوان عمل مردم تحت سلطه به طور همزمان و "در آن واحد" امکان‌پذیر است. امری که توسعه‌ی جهانی نیروهای تولیدی و تعامل جهانی ملازم با آن‌ها را پیش‌فرض می‌گیرد»<sup>۲</sup>.

انگلس در آماده‌سازی برای نوشتن *مانیفست کمونیست*، فهرستی را تحت عنوان اصول کمونیسم پیش‌نویس کرد، که در سال ۱۸۴۷ در آن اشاره نمود:

<sup>1</sup> Guevara, appendix to *Apuntes*, 342.

<sup>2</sup> Karl Marx and Frederick Engels, *Collected Works*, vol. 5 (London: Lawrence & Wishart, 1975), 49.

آیا ممکن است که این انقلاب فقط در یک کشور به وقوع بپیوندد؟ نه. صنعت کلان در حال حاضر با آفرینش بازار جهانی، تمام مردم دنیا را به پیوند داده ... به طوری که هر کس به آن چه برای دیگری اتفاق می افتد وابسته است ... این فرایند با توجه به این که کشور دارای صنعت پیشرفته تر، ثروت بیشتر، و حجم قابل توجه تری از نیروهای تولیدی است یا خیر، با سرعت کمتر یا بیشتری گسترش خواهد یافت. بدین ترتیب، وقوع آن در آلمان، آهسته تر و دشوارتر از همه خواهد بود، و در انگلستان، سریع تر و آسان تر از همه. همچنین تاثیر مهمی بر دیگر کشورهای جهان خواهد داشت، و اسلوب توسعه ی پیشین آن ها را کاملاً تغییر خواهد داد و شتاب خواهد بخشید. این یک انقلاب جهانی است، و به همین دلیل دارای چشم انداز جهانی خواهد بود.<sup>۱</sup>

بر اساس آن مفروضات، بیش از نیم قرن بعد و با تغییر شرایط بین المللی، انباشت سرمایه داری پیشرفته هنوز یک پیش شرط برای آغاز انقلاب سوسیالیستی قلمداد می شد. لنین در سال ۱۹۱۵ به همین قضیه اشاره داشت، وقتی بیان کرد که «توسعه ی اقتصادی و سیاسی نابرابر، قانون مطلق سرمایه داری است. از این رو، پیروزی سوسیالیسم در ابتدا در چندین یا حتی در یک کشور به تنهایی امکان پذیر است.<sup>۲</sup> ارزیابی او از وضعیت روسیه پس از استعفای اجباری تزار نیکلای دوم در مارس ۱۹۱۷ این بود که به دلیل خصلت دهقانی کشور، «پرولتاریای روسیه نمی تواند انقلاب سوسیالیستی را به نتیجه ی پیروزمندانه برساند. اما می تواند به انقلاب روسیه وسعت بسیاری ببخشد که مطلوب ترین شرایط را برای انقلاب سوسیالیستی خواهد آفرید، و به یک معنا، آن را آغاز می کند. می تواند ظهور

<sup>1</sup> Marx and Engels, *Collected Works*, vol. 6, 351–52.

<sup>2</sup> Lenin, *On the Slogan for a United States of Europe*, in *Collected Works*, vol. 21 (Moscow: Progress Publishers, 1964), 343.

وضعیتی را تسهیل نماید که شریک اصلی، و قابل اعتمادترین و قابل اتکاترین شریک آن، یعنی پرولتاریای سوسیالیست اروپایی و آمریکایی، می‌تواند به نبردهای قاطع بپیوندد.<sup>۱</sup>

در سال‌های نخست پس از انقلاب اکتبر، رهبران آن انتظار داشتند که در سرآغاز یک فرایند انقلاب جهانی قرار داشته باشند. آن‌ها این انقلاب را برای توسعه‌ی سوسیالیسم در یک کشور توسعه‌نیافته به لحاظ اقتصادی («عقب‌مانده») مانند روسیه، تحت شرایط محاصره‌ی نظامی و منابع محدود، ضروری می‌دانستند. آن‌ها امید زیادی برای قیام طبقه‌ی کارگر آلمان داشتند، که در آن زمان پیشرفته‌تر از همه در نظر گرفته می‌شد، علی‌رغم اپورتونیزم ناسیونالیستی رهبران سوسیال-دموکرات آن در طی جنگ جهانی اول، و جهالت آن‌ها از «کارکردهای بین‌المللی طبقه‌ی کارگر آلمان» که مارکس قبلاً در سال ۱۸۷۵ خاطر نشان کرده بود.<sup>۲</sup> اما تحولات انقلابی در آلمان به سرعت در خون خفه شد. رزا لوکزامبورگ فقط چند ماه قبل از ترور وی، از زندان به تلخی اظهار داشت: «رخدادهای جنگ و انقلاب روسیه، نه عدم‌آمدگی روسیه بلکه عدم‌آمدگی پرولتاریای آلمان را برای تحقق وظایف تاریخی خود ثابت کرد».<sup>۳</sup>

هرچه بیشتر آشکار شد که تحکیم انقلاب روسیه نمی‌تواند به جنبش‌های کارگری در غرب وابسته باشد، بلشویک‌ها بیشتر خودشان را مجبور دیدند که به پیشروی درون مرزهای خودشان مبادرت ورزند. همانطور که لنین یک دهه قبل پیش‌بینی کرده بود، عواقب اقتصادی تخاصم میان پرولتاریا و دهقانان، یا میان منافع شهری و روستایی، شروع به تعیین سیاست‌های آن‌ها کرد. در عین حال، نیروهای ضد انقلابی تحت حمایت قدرت

---

<sup>1</sup> Lenin, *Farewell Letter to the Swiss Workers*, in *Collected Works*, vol. 23, 372.

<sup>2</sup> Karl Marx, *Critique of the Gotha Program*, in Marx and Engels, *Collected Works*, vol. 24, 90.

<sup>3</sup> Rosa Luxemburg, *The Russian Revolution*, in Peter Hudis and Kevin B. Anderson, eds., *The Rosa Luxemburg Reader* (New York: Monthly Review Press, 2004), 283.



های امپریالیستی، توسط ارتش سرخ به عقب رانده شدند، و جنبش‌های همبستگی در مراکز سرمایه‌داری به جلوگیری از تهاجمات بیشتر نظامی کمک کردند.

لنین در دفاع از تصویب سیاست اقتصادی نوین (نپ) در سال ۱۹۲۱ که تا حد زیادی بازار-محور بود، با واپس‌نگری نتیجه گرفت:

وقتی انقلاب بین‌المللی را شروع کردیم، این کار را انجام دادیم... زیرا شماری از شرایط، ما را مجبور به آغاز آن کرد. ما فکر کردیم: یا انقلاب بین‌المللی به یاری ما می‌آید، و در این صورت پیروزی ما به طور کامل تضمین خواهد شد، یا کار انقلابی متواضعانه‌ی خود را با این اعتقاد انجام خواهیم داد که حتی در صورت شکست، به نهضت انقلاب خدمت خواهیم کرد و تجربه‌ی ما به انقلاب‌های دیگر کمک خواهد کرد... پیش از انقلاب و حتی پس از آن، ما فکر کردیم: یا انقلاب در کشورهای دیگر، در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته تر، بلافاصله یا حداقل بسیار سریع آغاز خواهد شد، یا باید از بین برویم. با این حال، در واقع رخدادها به آن اندازه که انتظار داشتیم، در خط مستقیم پیش نرفتند.<sup>۱</sup>

یک سال بعد، لنین حتی تأیید کرد که «در همان سال ۱۹۱۸، ما سرمایه‌داری دولتی را به عنوان خط عقب‌نشینی احتمالی در نظر داشتیم».<sup>۲</sup>

با این وجود، برای رهبری اتحاد جماهیر شوروی جوان در حدود پنج سال دیگر طول کشید تا چشم‌انداز جنبش‌های انقلابی بین‌المللی را قاطعانه تابع حفاظت از منافع ملی بی‌واسطه سازند. یک سال پس از مرگ لنین در سال ۱۹۲۴، «سوسیالیسم در یک کشور»

<sup>1</sup> Lenin, *Report on the Tactics of the Russian Communist Party*, in *Collected Works*, vol. 32, 479–80.

<sup>2</sup> *Report to the Fourth Congress of the Communist International*, in *Collected Works*, vol. 33, 421.

به دکترین سیاست کلیدی تبدیل شد، که همبستگی بین‌المللی را با ژئوپلیتیک، یا به بیان گوارا، «انترناسیونالیسم را با شوونیسم» جایگزین کرد.<sup>۱</sup> اذعان به شکست انقلاب جهانی، به انکار ضرورت آن و اعتقاد به این منجر شد که همه چیز باید تابع دفاع از منافع داخلی گردد، دوباره به بهای پتانسیل انقلابی در جاهای دیگر. این خط‌مشی، اثراتی بر فرایندهای دگرگونی خود اتحاد جماهیر شوروی داشت. تجلیل از نظام موجود جایگزین تحلیل انتقادی شد. گوارا با فرض این‌که لنین در نهایت سعی در تصحیح مسیر چیزها می‌داشت، به نحو کنایه‌آمیزی او را به خاطر ارتکاب «دو اشتباه عمده [سرزنش کرد]، اولاً، سیاست اقتصادی نوین؛ دوماً، جان سپردن، گرچه نه عمداً.»<sup>۲</sup>

سوسیالیسم در یک کشور هرگز مفهوم نظری مستدلی نبوده است، حتی وقتی همچنان ارتباط نزدیکی با این دیدگاه جبرگرایانه داشت که سرمایه‌داری به خاطر تناقضات خودش از پای درخواهد آمد، یا توسعه‌ی نیروهای تولیدی تقریباً به طور خودکار منجر به سوسیالیسم خواهد شد. این عبارت از زمان آغاز خود، به سختی از توجیه صرف واقعیات و سیاست‌های عملی فراتر رفت. به بیان ژان پل سارتر، یک «هیولای ایدئولوژیک» در «ریشه‌ی نهاده‌سازی انقلاب روسیه» بود.<sup>۳</sup> هم ژوزف استالین و هم مخالفانش، عزم خود را جزم کردند که با نقل قول‌های نابجا از لنین، دو دستی به این شعار بچسبند، و در نهایت، تنها به توجیه تصفیه‌های سیاسی و حفظ احزاب کمونیست در سراسر جهان تحت لوای «مسکو» خدمت کرد؛ و احزاب تروتسکیست و مائوئیست را غرق در بحث‌های بی‌معنی نگه داشت. اتحاد جماهیر شوروی همچنان به حمایت از سازمان‌های غربی، و همچنین جنبش‌های آزادی‌بخش در آنچه جهان سوم خوانده می‌شد ادامه داد، اما جهت

---

1 Guevara, *Apuntes*, 145.

2 Guevara, *Apuntes*, 345.

3 Jean-Paul Sartre, *Critique of Dialectical Reason*, ed. Arlette Elkaim-Sartre, vol. II (London: Verso, 1991), 98–104

گیری آن و بسط حمایت به نیروهای دیگر، به طور فزاینده‌ای با ملاحظات ژئوپلیتیک تنگ‌نظرانه مشروط می‌شدند.

به جای تقویت جنبش‌های انقلابی در هر جا که ظهور کردند به منظور تضعیف چنگال سیستم سرمایه‌داری بر زندگی مردم، ابتکارات بی‌شماری قربانی شدند، پشتیبانی کمی دریافت کردند، یا فعلاً متوقف شدند. سازمان‌ها و قیام‌های مردمی در ائتلاف‌های مشکوک به نفع «سوسیالیسم در یک کشور» و سپس «همزیستی صلح‌آمیز» مورد استفاده‌ی ابزاری قرار گرفتند، که به عواقب ویرانگری برای جنبش کمونیست بین‌المللی و مردم به طور کلی منجر شد. مثال‌های این امر آن قدر معروف هستند که نیازی به نام بردن در این جا نیست. دکترین سوسیالیسم در یک کشور به استعاره‌ای برای ایدئولوژی دفاعی تبدیل شده است که خودش را جایگزین پراکسیس انقلابی تهاجمی می‌کند. این دکترین «خطرناک و به معنای عمیق کلمه خودخواهانه است، زیرا خلق‌ها را از نظر اخلاقی خلع سلاح می‌کند و موجب می‌شود که سوسیالیسم، خلق‌های دیگر و آهسته‌تر در فرایند تقلید را فراموش کند».<sup>۱</sup>

### «موشک‌های اخلاقی»

در نظم جهانی سرمایه‌داری جدید که توسط جنگ جهانی دوم آفریده شده بود، پویایی انقلابی از جنبش‌های کارگری در مرکز به مبارزات آزادی‌بخش ضداستعماری و ضدامپریالیستی در پیرامون منتقل شد. پس از انقلاب چین و پیروزی ویتنام در دین بین فو<sup>۲</sup>، جنگ چریکی به فرم شایع مبارزه علیه قدرت‌های استعمارگر قدیمی و گسترش نواستعماری بدل گشت. جهان سوم، واژه‌ای که ابتدا توسط یکی از جامعه‌شناسان برای

<sup>1</sup> Guevara, *Apuntes*, 204.

<sup>2</sup> Dien Bien Phu

توصیف جنبش نوظهور عدم تعهد ابداع شده بود، به آگاهی از یک میدان نبرد برای آن چیزی تبدیل شد که فرانتس فانون، آفرینش «چندین دین بین فو» می‌نامید.<sup>۱</sup>

از همان ابتدا، انقلابیون کوبا دارای دیدگاه انترناسیونالیستی بودند، گرچه هر انقلاب اجتماعی در ابتدا مبارزه برای حق تعیین سرنوشت است که درون زمینه‌ی ملی به وقوع می‌پیوندد، تحکیم می‌شود و توسعه می‌یابد. حاکمیت سیاسی و استقلال اقتصادی، اهداف اصلی جنگ چریکی کوبا بودند. این جنگ به یکی از نخستین انقلاب‌های اجتماعی تبدیل شد که توسط اکثریت دهقانان و کارگران روستایی در ائتلاف با طبقه‌ی کارگر شهری و روشنفکران به پیش رانده می‌شد. پس از تصرف قدرت، اولین تماس‌های بین‌المللی آن‌ها با رهبران جنبش عدم تعهد برقرار شد.

انقلابیون کوبا در همان حال که به واقعیات سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی انتقاد داشتند، متقاعد شده بودند که توسعه‌ی سوسیالیسم در کوبا باید شانه به شانه‌ی انقلاب‌های دیگر، به ویژه در آمریکای لاتین، گام بردارد تا در نیروهای امپریالیستی شکاف ایجاد کند و در نتیجه مقداری از فشارها را از دوش انقلاب کوبا بردارد. برای آن‌ها، «خصلت قاره‌ای» مبارزه‌شان مربوط به مسئله‌ی حفاظت از نتیجه‌ی داخلی و همچنین مسئله‌ی هم‌ذات‌پنداری انقلابی با فقیرترین توده‌ها بر اساس تجربه‌ی شخصی و قرابت‌های سیاسی آن‌ها در زمان تبعید بود. آن‌ها آمریکای لاتین را به پیروی از سنت خوزه مارتی، به مثابه میهن یا ملت واحدی درک می‌کردند، و «استقلال کوبا را جزئی جدایی‌ناپذیر از انقلاب آمریکای لاتین» می‌دانستند.<sup>۲</sup>

---

<sup>1</sup> Frantz Fanon, *The Wretched of the Earth* (New York: Grove Press, 2004), 70.

<sup>2</sup> *Informe de la Delegación Cubana a la Primera Conferencia de la OLAS* (Havana: OLAS, 1967), 30.

بر خلاف پروپاگاندا و اعتقاد گسترده ایالات متحده، رهبری کوبا، از جمله گوارا، هرگز سعی در گسترش اعتقادات خود از طریق تحریک «نآرامی اجتماعی» در خارج از کشور نداشت. وقتی که آن‌ها در مورد «سازمان‌دهی جبهه‌ی قاره‌ای» صحبت می‌کردند، به مبارزات اصلی که از پیش تقریباً در هر گوشه از آمریکای لاتین روی می‌داد اشاره می‌کردند. کوبا نهایت تلاشش را برای کمک به این جنبش‌ها و اتحاد آن‌ها انجام داد، اما طریقت اصلی آن‌ها، که تا به امروز پایدار بوده است، «متقاعد کردن با مثال» و فرستادن «موشک‌های اخلاقی» از طریق پیگیری انقلاب اجتماعی خودش بود. حیثیت آن به تنهایی برای الهام مبارزات ضدامپریالیستی در سراسر جهان کافی بود، از جمله چپ در غرب و جنبش‌های گوناگون در ایالات متحده. گوارا، که شغل خودش را «کارکرد جهت‌دهی» در نظر می‌گرفت، اهمیت انقلاب کوبا را «قدرت نفوذ اخلاقی آن» تعریف کرد. موشک‌های اخلاقی چنان سلاح موثر ویران‌گری هستند که به مهم‌ترین عنصر در تعیین ارزش کوبا بدل گشته‌اند»<sup>۱</sup>.

با این حال، رهبران کوبا انتظار نداشتند که انقلاب اجتماعی در یک کشور واحد از آمریکای لاتین به تنهایی باقی بماند: «بانکی‌ها به خاطر منافع مشترک و به این دلیل مداخله خواهند کرد که مبارزات در آمریکای لاتین تعیین‌کننده هستند... آن‌ها سعی خواهند کرد دولت جدید را از نظر اقتصادی از بین ببرند. در یک کلام، آن‌ها سعی خواهند کرد آن را نابود سازند. با توجه به این چشم‌انداز کلی آمریکای لاتین، ما باور به این را که پیروزی می‌تواند در یک کشور منزوی به دست آید دشوار می‌یابیم. پاسخ به وحدت نیروهای سرکوب‌گر، باید وحدت نیروهای مردمی باشد»<sup>۲</sup>.

---

<sup>1</sup> Guevara, *Apuntes*, 336; Ernesto Che Guevara, *Táctica y Estrategia de la Revolución Latinoamericana*, in *Escritos y Discursos*, vol. 9 (Havana: Editorial de Ciencias Sociales, 1977), 226.

<sup>2</sup> Guevara, *Táctica y Estrategia de la Revolución Latinoamericana*, 237–38.

برای گوارا، با توجه به جهان وسیع‌تر، حمایت از هر مردمی که برای استقلال مبارزه می‌کند، و مداخله در «هر جا که تعادل قدرت کمترین نابرابری را نشان می‌دهد» ضروری است، زیرا «هر بار که یک کشور از درخت امپریالیستی قطع می‌شود، فقط پیروزی در نبردی جزئی علیه دشمن اصلی نیست، بلکه به تضعیف واقعی آن دشمن نیز کمک می‌کند، و گام دیگری به سوی پیروزی نهایی است. در این مبارزه تا پای مرگ، هیچ مرزی وجود ندارد»<sup>۱</sup>. او این را در سخنرانی در الجزیره در فوریه‌ی ۱۹۶۵ گفت، دو ماه پیش از عزیمت به کنگو و دو ماه پس از آن‌که به جوزی فانون گفته بود که در همین راستا، دفاع از انقلاب کوبا «نه فقط یک مبارزه‌ی دفاعی، بلکه در عین حال یک نبرد تهاجمی علیه امپریالیسم است»<sup>۲</sup>.

البته رهبری کوبا نمی‌توانست تأثیرات احتمالی سیاست خارجی خود را بر امنیت ملی جزیره نادیده بگیرد. گوارا در ماه می سال ۱۹۶۲ به کارمندان امنیت ملی هشدار داده بود که «نگرش آمریکای لاتین، پیوند ذاتی با آینده و سرنوشت انقلاب ما دارد»<sup>۳</sup>. اما برای کوبا، همبستگی بین‌المللی همچنان بی‌قید و شرط و عمدتاً مستقل از انگیزه‌های ژئوپلیتیک باقی ماند؛ در طیفی از ارائه‌ی کمک‌های بشردوستانه به شیلی در سال ۱۹۶۱ و مراقبت‌های پزشکی برای قربانیان چرنوبیل در دهه‌ی ۱۹۸۰ تا کارزارهای کنونی سوادآموزی و سلامت توسط هزاران معلم، کارشناس فنی و پرسنل پزشکی داوطلب کوبایی در سراسر جهان. این کشور به درخواست جنبش‌های چریکی در الجزایر و آمریکای لاتین، سلاح، آموزش، و مراقبت‌های پزشکی را به آن‌ها ارائه می‌داد. کوبا علاوه بر مأموریت آموزش نظامی در کنگو به رهبری گوارا، به ده‌ها حکومت و جنبش آزادی

<sup>1</sup> Guevara, *Escritos y Discursos*, vol. 9, 265–66.

<sup>2</sup> Guevara, *Escritos y Discursos*, vol. 9, 337.

<sup>3</sup> Guevara, *Escritos y Discursos*, vol. 9, 199.

بخش آفریقایی نیز با مشاوران نظامی کمک می‌کرد. بین سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۸۸، تا پنجاه و پنج هزار جوخه برای کمک به دفع تهاجم آفریقای جنوبی به آنگولا فرستاد.

در هماهنگی با فعالیت‌های گوارا در آفریقا و بولیوی، رهبری کوبا دو نشست بزرگ سازمان‌های انقلابی را برگزار کرد: کنفرانس سه‌قاره‌ای در ژانویه ۱۹۶۶، و هجده ماه بعد، کنفرانس سازمان همبستگی آمریکای لاتین که شامل جنبش‌های چریکی قاره بود، «به منظور بسط و شرح یک استراتژی مشترک برای مبارزه با امپریالیسم یانکی». استوکی کارمایکل و سایر مبارزان سیاه‌پوست از ایالات متحده به عنوان مهمان ویژه حضور به هم رساندند.

گوارا در پیام خود به نشست سه‌قاره‌ای، درست قبل از عزیمت به بولیوی در اکتبر ۱۹۶۶، دیدگاه استراتژیکی را ترسیم کرد، با بیان این که «امپریالیسم یک نظام جهانی است، آخرین مرحله‌ی سرمایه‌داری؛ و باید در یک مقابله‌ی جهانی مغلوب شود». <sup>۱</sup> هدف نهایی او کمک به انقلاب ویتنام، با گشودن یک جبهه‌ی دوم بود. او اصرار داشت که وظیفه‌ی آمریکای لاتین، آفریدن «ویتنام دوم یا سوم جهان، یا ویتنام دوم و سوم» است، بر اساس این نکته که «مقابله‌هایی با اهمیت انقلابی، آن‌هایی هستند که تمام ساز و برگ امپریالیستی را در معرض خطر قرار می‌دهند». <sup>۲</sup>

مشخصاً اقدامات گوارا در کنگو و بولیوی، عبارت بودند از تلاش برای نهادن بنیان‌های آن‌چه که عاقبت بنا بود به «ارتش‌های پرولتری بین‌المللی» بدل شود. به گفته‌ی هری ویلگاس، یکی از چریک‌هایی که به گوارا در هر دو مأموریت ملحق شد،

---

<sup>1</sup> Guevara, *Escritos y Discursos*, vol. 9, 364–69. For an English version, see Che Guevara, *Message to the Tricontinental* (Havana: Executive Secretariat of the Organization of the Solidarity of the Peoples of Africa, Asia, and Latin America, 1967), available at <http://marxists.org>.

<sup>2</sup> Guevara, *Escritos y Discursos*, vol. 9, 364–69.

«چه» در شرح و بسط راهبرد خود، با توجه به مبارزاتی که از پیش در کشورهای مختلف قاره در جریان بودند، امکان تشکیل یک هسته‌ی چریکی، یک ستون مادر را تصور می‌کند که از مرحله‌ی ضروری و دشوار بقا و توسعه عبور خواهد کرد. بعداً، موجب ظهور ستون‌های چریکی جدیدی می‌شود که به سمت مخروط جنوبی آمریکای لاتین بسط پیدا می‌کنند، و به جنگی تداوم می‌بخشند که دامنه‌ی آن به سراسر قاره گسترش خواهد یافت.<sup>۱</sup>

در این تلاش، اصل اساسی عبارتست از رهبری با مثال، و گوارا را نیز می‌توان سرزنش کرد که «جان سپرده است، البته نه عمداً». او در یادداشت‌هایش از پراگ، نوشته بود: «ما که چشممان آب نمی‌خورد، و می‌ترسیم که این امر خطیر آشکارا از قوای ما فراتر باشد. لاف‌ل، آن چه باقی می‌ماند گواه بر تلاش ماست».<sup>۲</sup>

### اقتصاد امروز کوبا

پل باران دو سال پس از انقلاب کوبا اشاره کرد که آن «صرفاً یک انقلاب سیاسی نبود... سنگ محک برای ماهیت صرفاً سیاسی یا اجتماعی هر یک از چنین تحولاتی، بازگشت پذیری آن است».<sup>۳</sup>

سنگ محک بازگشت‌ناپذیری انقلاب کوبا، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان کار شورای کمک اقتصادی متقابل<sup>۴</sup> (COMECON) فرارسید، که کوبا بیش از دو دهه عضو آن بود. در نتیجه، تجارت خارجی کوبا به میزان ۸۰ درصد، بهره‌برداری از ظرفیت تولیدی به میزان ۸۵ درصد و تولید ناخالص داخلی به میزان بیش از ۳۵ درصد کاهش

<sup>1</sup> Harry Villegas, *Pombo: A Man of Che's Guerilla, With Che Guevara in Bolivia 1966-68* (New York: Pathfinder Press, 1997), 31.

<sup>2</sup> Guevara, *Apuntes*, 33.

<sup>3</sup> Paul A. Baran, *Reflections on the Cuban Revolution*, in *The Longer View* (New York: Monthly Review Press, 1969), 391.

<sup>4</sup> Council for Mutual Economic Assistance



یافت. حکومت ایالات متحده این بحران را با وضع تحریم‌های اقتصادی در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۶ تشدید کرد، که تجارت و معاملات مالی به دلار را فلج ساخت، و تا ابد به بهای ۱۰٪ از تولید ناخالص داخلی کوبا برای اقتصاد آن کشور تمام شد.

خوشبختانه، تا سال ۱۹۸۵، رهبری کوبا از پیش سیاست «پرسترویکا» اتحاد جماهیر شوروی را رد کرده بود، و سال بعد کارزار اصلاحات را به راه انداخت، که به این کشور کمک کرد تا از بدترین تنگناهای آن‌چه که به عنوان دوران ویژه شناخته شد، به سلامت گذر کند. هدف اصلی این کارزار این بود که تمرکز افراطی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، و حجم و آرایش بوروکراسی کشور را اصلاح کند. فیدل کاسترو فلسفه‌ی بنیادین آن را به عنوان بازگشت به «افکار اقتصادی» گوارا توضیح داد، که فرایند سوسیالیستی را مهم‌تر از همه به عنوان «پدیدار آگاهی» تصور می‌کرد.<sup>۱</sup>

با بخشیدن حیاتی تازه به شوراهای محلی، و برقراری انتخاب مستقیم هیئت نمایندگان در سطوح استانی و ملی، فرایند اصلاح موجب تقویت مشارکت مردم در توسعه و اجرای سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی شد. انگیزه‌ی سیاسی و پاسخگویی در بخش‌های مختلف صنعت را بالا برد، تولید برق را متنوع و نامتمرکز ساخت، و خودکفایی را در مواد غذایی اساسی با کشت پایدار، بیو-تکنولوژی و کشاورزی شهری افزایش داد.<sup>۲</sup> پس از بحث‌های زیاد، اقتصاد را برای سرمایه‌گذاری خارجی باز کرد تا با کسری بودجه‌ی مزمن مبارزه کند، و در سال‌های ۱۹۹۳-۹۴، بیش از نیمی از اراضی کشاورزی دولتی به واحدهای اساسی تولید تعاونی با آزادی بیشتر در تصمیم‌گیری واگذار شد. سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت گردشگری، با پشتیبانی منابع قابل توجه کوبا، به موتور واقعی بهبود

<sup>1</sup> Fidel Castro, *Por el Camino Correcto* (Havana: Editora Política, 1989), 45.

<sup>2</sup> Fernando Martínez Heredia, *Desafíos del Socialismo Cubano* (Havana: Centro de Estudios sobre América, 1988).

اقتصادی تبدیل شد، که سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی عمده در معدن نیکل، و همچنین اعتبارات از چین، برزیل و ونزوئلا به دنبال آن آمد.

با این حال، ساختن سوسیالیسم تحت شرایط حصر سرمایه‌داری، دارای اقتصاد خود است. کوبا به عنوان یک اقتصاد کوچک جزیره‌ای، مجبور است برای نیل به حداقل سطوح بهره‌وری، اجناس را در مقیاس بزرگ‌تر از بازار ملی خود تولید کند. بدین منظور، باید به بازارهای مالی دسترسی داشته باشد، به واردات اجزای قابل توجهی از ورودی تولید نیازمند است، و باید بازارهایی را پیدا کند که مایل به جذب محصولات مازاد بر مصرف ملی هستند. پس از فروپاشی COMECON، تنها راه برای بازیابی بهره‌برداری از ظرفیت و اشتغال مولد، برقراری تعامل با بازار جهانی سرمایه‌داری بود. رهبری کوبا با هشجاری نسبت به خطرات این کار برای پروژه‌ی سوسیالیستی خود، قصد داشت با پیشنهاد «تحقق» مدل توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کوبا، انگیزه‌ی جدیدی به فرایند اصلاح ببخشد. پس از پنج سال بحث و گفتگو با نظرات مردمی گسترده، رهبری کوبا نخستین مجموعه از راهکارها را برای این برنامه در سال ۲۰۱۱ ارائه داد تا «بازگشت‌ناپذیری و تداوم سوسیالیسم را تضمین کند». پس از رایزنی‌های مردمی بیشتر، نسخه‌ای به روز شده از راهکارها در سال ۲۰۱۶، همراه با مفهوم جامعی برای برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کوبا تا سال ۲۰۳۰ اتخاذ شد.<sup>۱</sup>

یکی از نخستین عواقب «تحقق» مدل اقتصادی، انحلال و سازمان‌دهی مجدد کارهای غیرتولیدی و گسترش بخش غیردولتی بود، از جمله خوداشتغالی و تعاونی‌ها در هر دو

---

<sup>1</sup> Partido Comunista de Cuba, *Lineamientos de la Política Económica y Social del Partido y la Revolución para el Período 2016–2021* (Havana: Partido Comunista de Cuba, 2017), 1–47; Partido Comunista de Cuba, *Conceptualización del Modelo Económico y Social Cubano de Desarrollo Socialista* (Havana: Partido Comunista de Cuba, 2017), 1–54.

مشاغل کشاورزی و غیرکشاورزی. تاکنون، این حرکت حدود نیم میلیون شغل را تحت تاثیر قرار داده، و عمدتاً در بخش خدمات و تولیدکنندگان خرد به کار بسته می‌شود. مالکیت کسب و کار به منظور جلوگیری از تمرکز سرمایه و دارایی، در تعداد و اندازه محدود می‌شود. قانون جدیدی اجاره‌ی اراضی بایر را به زارعین فردی تسهیل می‌کند، دسترسی به اعتبارهای کوچک در اختیار آنان می‌گذارد و به آن‌ها امکان فروش محصولات را به هتل‌ها و رستوران‌ها می‌دهد. مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، دفاع و موسسات مرتبط با سلاح همچنان از هر نوع خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری خارجی مبری می‌مانند. وحدت پولی برای آینده‌ی نزدیک برنامه‌ریزی شده است، که پزوی محلی را تقویت می‌کند و پزوی قابل‌تبدیل را برمی‌چیند که در سال ۱۹۹۴ به عنوان راه‌حل موقتی برای مشکلات ارزی دوران ویژه معرفی شد.

شاید مهم‌ترین بخش از مدل جدید، عدم تمرکز تصمیم‌گیری است، که شامل تغییر عمده از نهادهای دولتی مرکزی به بدنه‌های منطقه‌ای و محلی، و همچنین بنگاه‌های بخش دولتی می‌شود. تمرکززدایی همچنین بر سیستم برنامه‌ریزی جامع کشور تأثیر می‌گذارد، که انتظار می‌رود انعطاف‌پذیرتر و واکنش‌پذیرتر شود، و فضای بیشتری برای مکانیزم‌های کنترل غیرمستقیم باقی بگذارد. با این وجود، تمام اسناد و بیانیه‌های حکومت در ارتباط با فرایند «تحقق» اصرار دارند که «سیستم برنامه‌ریزی سوسیالیستی همچنان راه اصلی برای هدایت اقتصاد ملی خواهد بود».<sup>۱</sup>

آموزش و پرورش و مراقبت‌های بهداشتی در کوبا، رایگان و با کیفیت بالا هستند، اما هنوز میان درآمد مردم و نیازهای آن‌ها، و میان منابع و نیازهای کشور به طور کلی، شکاف بزرگی وجود دارد. واقعیات اجتماعی، آگاهی مردم را تعیین می‌کند، و فشارهای بیرونی -

<sup>1</sup> Partido Comunista de Cuba, *Lineamientos*, 3; *Conceptualización*, 16.

هم در حال حاضر و هم در آینده- نباید دست کم گرفته شوند، آثار فناوری‌های ارتباطات مدرن و هر ساله ۴ میلیون گردشگر نیز همین‌طور.

این واقعیت باقی می‌ماند که حفظ و دگرگونی توسعه‌ی سوسیالیستی کشور صرفاً به شرایط داخلی بستگی ندارد. مادام که کوبا باید خلاف جریان واقعیات بین‌المللی کنونی شنا کند، فرایند توسعه‌ی سوسیالیستی آن همچنان بسیار پیچیده و دشوار خواهد بود. بدین ترتیب، سوال این نیست که آیا انقلاب کوبا می‌تواند زنده بماند، بلکه آیا انزوای آن در جهان سرمایه‌داری توسط انقلاب‌های اجتماعی دیگر شکسته خواهد شد یا نه. به جای این‌که به آن سفر توریستی برویم «قبل از این‌که خیلی دیر شود»، بهتر است از خودمان پرسیم چگونه می‌توانیم به آفریدن دو، سه و چند کوبا کمک کنیم.